

هفته نامه هنری ورزشی استان البرز

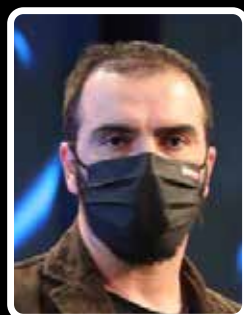
دشست

خوهر

سال پنجم - شماره ۲۴ - شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۹

برای علی انصاریان و مهرداد میناوند

با یادداشت هایی از: علی پروین، حمید استیلی، پژمان جمشیدی، جواد کاظمیان و حمیدرضا صدر



همه چیز از سی و نهمین
جشنواره فیلم فجر

لیست کامل برگزیدگان
+ چند یادداشت



ایستگاه سی و نهم: همه چیز از برگزاری جشنواره فیلم فجر زیر سایه کرونا

انعکاس نظرات واقعی منتقدان و صاحب‌نظران و مخاطبان محلی شده بود برای تبلیغات فیلم‌هایی خاص و امید است که در سال‌های آتی شاهد رقابت هر چه سالم‌تر و بی حاشیه‌تر فیلم‌ها در کنار یکدیگر باشیم.»

حاشیه روز؛ ابهامات دنباله‌دار یک سیم‌رغ

همزمان با تغییر و تحول در شکل برگزاری جشنواره فیلم فجر، محمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر این رویداد در نشست خبری جشنواره خبر از تغییر روش ثبت آرای مردمی فیلم‌ها داد و عنوان کرد امسال بر خلاف سال‌های گذشته که خانه سینما متولی جمع‌آوری آرا بود، سامانه سمفا که پیش از این هم نقض‌هایی در بلیت‌فروشی داشت، مسئول انجام این امر شده است؛ نکته‌ای که در همان ابتدای اعلام این خبر واکنش‌ها را برانگیخت، تجربه سینماگران در فروش بلیت در روزهای عادی و البته هم‌زمان با پیش‌فروش بلیت‌های این دوره از جشنواره نشان داد که این سامانه به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌هایش اساساً در پیش‌برد چنین پروژه‌ای دچار نقض‌های جدی است که در به‌روز رسانی‌های چند باره‌اش هم مرتفع نشده است.

همین هم شد. روز پنجم جشنواره گزارش‌های مردمی حکایت از این داشت که برای عده‌ای با وجود خرید بلیت، پیامک ثبت رای ارسال نمی‌شود، جشنواره فیلم فجر هم با تایید این خبر اقدام به تعویض شرکت ارسال‌کننده پیامک کرد.

سیم‌رغ پرحرف و حدیث آرای مردمی به فیلم «بلق» رسید ضمن اینکه این امکان فراهم شد تا رای آن دسته از افرادی که موفق به ثبت آرای خود نشده بودند، اخذ شود؛ پرسه‌ای که نخستین بذره‌های تردید در درستی سیم‌رغ مردمی این دوره از جشنواره را کاشت.

تنها یک روز مانده به پایان جشنواره و در آخرین ساعات اخذ آرای مردمی باز هم شبه‌های جدید سر برآورد. پیش‌تازی، یک باره و لحظه‌ای یکی از فیلم‌ها در این رای‌ها بار دیگر در فضای مجازی خیرساز شد تا آنجا که دبیرخانه جشنواره فیلم فجر مجدداً در اطلاعیه مهر تاییدی بر این موضوع زد و عنوان کرد در طول برگزاری جشنواره حدود ۵٪ آرای ۳ فیلم، غیرصحیح بودند اما این مقدار در ساعات پایانی به رقم قابل توجهی رسید که در امتیاز نهایی، منظور نخواهند شد.

حاشیه‌ها به همین‌جا ختم نشد، روز گذشته و هم‌زمان با اعلام برنده سیم‌رغ مردمی محمدحسین قاسمی تهیه‌کننده «بلق» اعلام آمادگی برای رصد بیشتر کرد تا وجهی دیگر به اختلال به وجود آمده بدهد. این در حالی است که او پیش از بردن این سیم‌رغ به خانه در گفتگویی سامانه سمفا را از همان ابتدای رای‌گیری دچار اختلال و سیم‌رغ مردمی امسال را بی‌اعتبار خوانده بود.

محمدحسین مهدویان هم که امسال با «شیشلیک» در جایگاه سوم آرای مردمی قرار گرفت، با موضعی تند در پستی اعتراضی و البته انتقادی سیم‌رغ این دوره را حاصل «فتضح دستکاری در آرای مردمی در سه روز آخر» خواند که چیزی جز «بی‌اعتبار کردن» این مهمترین سیم‌رغ نداشته است.

حالا باید دید سرانجام این حرف و حدیث‌ها چه می‌شود و آیا انتشار شفاف آنچه در فرآیند رای‌گیری مهمترین سیم‌رغ جشنواره فجر سی و نهم رقم خورده پاسخی به ابهامات در این زمینه خواهد داد؟

نکته روز؛ امیدواری‌های سینمای ایران و یک هشدار
هیأت داوران جشنواره سی و نهم در مراسم اختتامیه در کنار اعلام برگزیدگان، بیانیهای صادر کرد که برخی نکات مورد اشاره در آن در نوع خود حائز اهمیت بود؛ «تاثیر حضور کم‌رونق بخش خصوصی در سال پاندمی و در پی آن کاهش حدود ۴۰ درصدی تولیدات سینمای ایران بر کیفیت کلی فیلم‌ها، قابل پیش‌بینی بود. در این میان اما روزنه امید برایمان پروبال گرفتن عنصر تخیل در داستان‌پردازی در بخش قابل توجهی از فیلم‌ها بود، عنصری که سینمای ایران و مخاطبانش در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارند.»



در میان فیلم‌های به نمایش درآمده در ویتترین جشنواره سی و نهم فیلم فجر کمتر رد و نشانی از «واقع‌گرایی» افراطی سال‌های اخیر بود و این همان دستاوردی است که در سال سخت کرونا، نمی‌توان نادیده‌اش گرفت. بازگشت سینماگران ایرانی به دنیای «تخیل» که به درستی مورد تأکید داوران فجر قرار گرفته را می‌توان از امتیازات ویژه این دوره از جشنواره فجر قلمداد کرد.

در راستای همین ویژگی هم فرضیه «تک‌ژانری» بودن سینمای ایران به چالش کشیده شده و شاهد آثاری در ژانرهای مختلف بودیم.

«سیم‌رغ بهترین فیلمنامه اقتباسی» هم در این دوره از جشنواره احیا شد. سهم قابل توجه فیلم‌های اقتباسی در ترکیب فیلم‌های جشنواره امسال هم از دیگر امتیازات جشنواره سی و نهم بود که از دید هیأت داوران نادیده نماند و به درستی مورد تأیید و تحسین قرار گرفت.

فارغ از این ویژگی‌های مثبت اما هشدار هیأت داوران درباره فضای‌های خارج از عرف در فضای مجازی از سوی برخی صاحبان آثار را هم نمی‌توان نادیده گرفت. این بخش از بیانیتهای هیأت داوران به نظر باید به‌صورت ویژه مورد توجه فیلمسازان، مدیران سینمایی و اصحاب رسانه قرار بگیرد؛ «در تمام این روزها بر آن بودیم که فارغ از برخی فضای‌های خارج از عرف رسانه‌های در دنیای مجازی فقط و فقط با معیارهای تخصصی و کارشناسانه به قضاوت آثار بنشینیم. متأسفانه امسال فضای مجازی بیش از هر زمان دیگری به جای

پرونده سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در حالی بسته شد که تجربه‌های به دست آمده در متفاوت‌ترین دوره برگزاری این رویداد را می‌توان مورد بازخوانی و آسیب‌شناسی برای دوره‌های آتی قرار داد.

به گزارش «سینما شبکه» به نقل از مهر، در طول ایام برگزاری جشنواره سی و نهم فیلم فجر، ۱۶ فیلم نامزد شده در بخش‌های مختلف، در جدول آکران سینمای رسانه‌ها و سینماهای مردمی قرار گرفت و رونمایی شد. شب گذشته برگزیدگان بخش‌های مختلف، سیم‌رغ‌های فجر سی و نهم را با خود به خانه بردند.

چهره روز؛ هیأت داوران جشنواره سی و نهم

محمد احسانی (مدیر فرهنگی) ساره بیات (بازیگر)، مرتضی پورصمدی (مدیر فیلمبرداری)، بهرام توکلی (نویسنده و کارگردان)، نیما جاویدی (نویسنده و کارگردان)، سیدجمال ساداتیان (تهیه‌کننده) و مصطفی کیایی (نویسنده و کارگردان)؛ این ترکیب متفاوت هیأت داوران یکی از متفاوت‌ترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر است. ترکیبی که پس از معرفی از سوی محمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، مورد استقبال رسانه‌ها قرار گرفتند و برخی حضور پررنگ سینماگران جوان و مستقل در آن را وجه تمایزش با هیأت‌های داوری دوره‌های گذشته جشنواره قلمداد کردند.

هیأت داوران جشنواره سی و نهم در عمل، وظیفه «هیأت انتخاب» را هم به‌صورت غیرمستقیم برعهده داشتند؛ ۱۶ فیلم به نمایش درآمده در جشنواره، محصول داوری این هیأت بود و به همین دلیل انگشت اتهام برخی منتقدان فیلم‌های راه یافته به جدول آکران و مقایسه آن با فیلم‌های بازمانده، برخلاف دوره‌های گذشته، به سمت هیأت داوران نشانه رفت.

با این همه اما اعضای هیأت داوری فجر، سکوت رسانه‌ای در پیش گرفتند تا عملکردشان در پایان راه و به استناد آرای‌شان مورد قضاوت قرار گیرد. انتشار فهرست نامزدها نقطه آغاز انتقادها از عملکرد هیأت داوری به‌واسطه نادیده گرفتن برخی چهره‌ها به‌ویژه در حوزه بازیگری بود و این انتقادها شب گذشته و با معرفی نهایی برگزیدگان، ضریب هم گرفت. نکته جالب اینکه زاویه اصلی انتقادها به این ترکیب داوران مستقل، حضور پررنگ فیلم‌های ارگانی هم در ترکیب ۱۶ فیلم راه‌یافته به جدول آکران و هم در ترکیب جوایز نهایی اعطایی از سوی آن‌ها بود!

داوری جشنواره فیلم فجر، همواره حساس و پرحاشیه بوده و امسال این حساسیت و حاشیه به‌واسطه شرایط خاص جشنواره، بیشتر از همیشه بود. هنوز داوران فجر سکوت خود را نشکستند و باید دید این ترکیب جوان، درباره نام‌های غایب در فهرست نهایی نامزدها و فرآیند اعطای جوایز به فیلم‌های قدر دیده، چه توضیحاتی ارائه خواهند کرد. آن موقع شاید بتوانیم تصویری دقیق‌تر از مفاهیمی همچون «هیأت داوران مستقل» داشته باشیم و صریح‌تر بتوانیم درباره شائبه و شایعه همیشگی «داوری تحت فشار از بیرون در فجر» قضاوت کنیم!

شاید واقعیت متفاوت از آن چیزی باشد که به نظر می‌رسد؛ احترام به سلیقه هر ترکیب از داوران، در هر دوره از جشنواره فجر، نیاز به این دست شفاف‌سازی‌ها دارد.

نگاهی به دو فیلم «بی همه چیز» و «رمانتیسیم عماد و طوبی»

چشمگیر و باشکوه - کلیشه و کهنه

نصیرپور) برای التماس به لیلی. یا حتی رفتن دختر امیر از روستا که بی شک قرار بوده قرینه باشد با نمای آمدن لیلی به روستا که در جای درستی استفاده نشده متأسفانه. از اینها که بگذریم، «بی همه چیز» فیلم خوب و خوش ساختی است که نشان می دهد پس از «خسته نباشید» (ساخته مشترک قرایی و افشین هاشمی) و «سد معبر» باید منتظر سومین ساخته مستقل محسن قرایی بمانیم.

رمانتیسیم کلیشه ای و کهنگی

فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبی» - متأسفانه به دلیل ترافیک کلیشه ای اطراف پردیس ملت، ده دقیقه ابتدایی فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبی» رو از دست دادم و با توجه به این نکته که اگر فیلمی را این چنین به تماشا بنشینم متنفرم، اما به ناچار وارد سالن شدم.

کاوه صباغ زاده که با فیلم اولش «ایتالیا ایتالیا» نوید ورود یک کارگردان خوش ذوق را به سینمای ایران داده بود، متأسفانه با «رمانتیسیم عماد و طوبی» عقب گرد داشت. روایت عشق یک پسر و دختر و سپس ازدواجشان، بچه دار شدنشان، مشکلاتشان و ... با صدای راوی (که کاملاً اضافی است) و با فصل بندی های مشخص عملاً جز تأکید بر حفظ بنیان خانواده و البته بازی قابل تحسین الناز حبیبی هیچ حرفی برای گفتن نداشت.

یک داستان کاملاً قابل حدس که جذابیتی برای دنبال کردن به همراه ندارد با شخصیت هایی نچندان متفاوت و حتی همدلی برانگیز. بخصوص شخصیت عماد که بدجوری پرداختی کلیشه ای و نخ نما و حتی غلط دارد. مگر می شود کسی که شغلش کارگردانی سینماست، اصطلاح «تون زیر کباب» به گوشش نخورده باشد؟! اینکه شخصی را یکی دو بار سر صحنه فیلمسازی، البته فقط و فقط در حد اکسسوار! ببینیم و در کتابخانه اش کتاب های «هنر سینما» و «تاریخ سینما» وجود داشته باشد، از او شخصیت کارگردان خلق نکرده ایم.

کاوه صباغ زاده که در «ایتالیا ایتالیا» به خوبی مناسبات پشت پرده فیلمسازی در ایران را به تصویر کشیده بود، در فیلم جدیدش کاملاً به شکل رفع تکلیف به آن نگاه کرده است.



هستند که باید باشند. سرحال، جذاب و قیصر که از همان پلان اول نقش را مال خود کرده اند. مهتاب نصیرپور با اینکه فرصتی برای خودنمایی برایش نبوده، اما او هم همانی است که ازش انتظار می رود. باران کوثری اما ریسک بزرگی کرده است. گریم وحشتناکی روی صورتش دارد و تمام تلاشش این است که بتواند شخصیت «نوری» را میان شخصیت های مهم فیلمنامه برجسته کند و موفق هم شده است.

موسیقی اکسترال حامد ثابت با اینکه گوشنواز است و مشخص است که زحمت زیادی برایش کشیده شده، اما بشدت بر نماهای فیلم سنگینی می کند و به هیچ کدام از نماها نمی چسبد. گویی موسیقی متعلق به جهان دیگری است.

فیلم، چند نمای اسلوموشن دارد که منهای یکی از آن ها (پیاپی شدن لیلی از قطار) بقیه هیچ کارکردی ندارند و نمایشی هستند. مثل نمای اسلوموشن از وسایل به طناب آویزان شده مغازه امیر یا نماهای آمدن نسرين (مهتاب

احمد شاهوند

نویسنده و منتقد



بانولیلی

فیلم «بی همه چیز» - محسن قرایی با دومین فیلمش «بی همه چیز» تمام و کمال از زیر سایه سعید روستایی (فیلمنامه نویس «سد معبر») بیرون می آید و نشان می دهد که از این به بعد می توان روی او حساب ویژه ای هم در کارگردانی و هم در فیلمنامه نویسی باز کرد.

نقطه قوت فیلمنامه (اسکلت اصلی و ساختار) وابسته به نمایشنامه «ملاقات با بانوی سالخورده» نوشته فردیش دورنمات است. ناکجا آبادی که در فیلم خلق شده هیچ شباهتی به هیچ برهه تاریخی ایران ندارد و مردمانش جز فارسی صحبت کردن، هیچ نشانی از ایرانی بودن ندارند. اگر موارد گفته شده را کنار بگذاریم، با فیلمنامه ای پر و پیمون طرفیم که داستانش را بی لکنت تعریف می کند. مهم ترین نکته مثبت فیلمنامه «بی همه چیز» اضافه شدن شخصیت «نوری» است. کسی که مهم نقش را در فصل نهایی فیلم بر عهده دارد.

از فیلمنامه که بگذریم، کارگردانی محسن قرایی به شدت چشمگیر است. یک کارگردانی سرحال و تحسین برانگیز که یکی دو پله سخت تر از «سد معبر» (که انصافاً کارگردانی خیلی خوبی داشت) است. قرایی نشان می دهد که کار با تعداد زیادی ستاره و انبوهی نقش های فرعی را به خوبی بلد است. با شروع فیلم، ناخودآگاه یاد کارگردانی استادانه عیاری در برخی فصل های پر بار یگر فیلم «روز باشکوه شهر کوچک» (۱۳۶۷) افتادم که همچنان بعد از مشاهده های پی در پی تازگی دارد و آدم را به وجد می آورد.

پرویز پرستویی، هدیه تهرانی و هادی حجازی فر همانی



برگزیدگان سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در یک نگاه



رضا عطاران، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد



رویا افشار، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن

مراسم اختتامیه سی و نهمین جشنواره فیلم فجر روز ۲۲ بهمن ماه در سالن همایش های برج میلاد با حضور حداقلی مهمانان که شامل داوران، نامزدهای بخش های مختلف و جمع محدودی از عکاسان بود، برگزار شد. در پایان این مراسم، فیلم «بدو» ساخته مهدی جعفری با کسب پنج سیمرغ بلورین و یک دیپلم افتخار در صدر برگزیدگان این دوره قرار گرفت. به گزارش «گوهر دشت»، فیلم «بدو» در بخش های فیلم، کارگردانی، فیلمبرداری، صداپردازی و صداگذاری به سیمرغ رسید و در بخش بازیگر نقش اول زن (ستاره پسبانی) موفق به کسب دیپلم افتخار شد. فیلم های «بی همه چیز» (با پنج سیمرغ)، «ابلق» (با چهار سیمرغ) و «زالاوا» (با سه سیمرغ و یک دیپلم افتخار) در رده های بعدی قرار گرفتند. فهرست برندگان بخش های مختلف به شرح زیر اعلام شد:

● بهترین فیلم به انتخاب تماشاگران:

سیمرغ بلورین: ابلق (تهیه کننده: محمدحسین قاسمی)
 رده های بعدی:
 ۲- بی همه چیز
 ۳- شیشلیک

● بهترین فیلم از نگاه ملی:

سیمرغ بلورین: تک تیرانداز (به کارگردانی علی غفاری)

● بهترین فیلم:

سیمرغ بلورین: بدو (تهیه کننده: محمدرضا مصباح)
 دیگر نامزدها:
 ابلق (به تهیه کنندگی محمدحسین قاسمی)
 بی همه چیز (به تهیه کنندگی جواد نوروزبیگی)
 زالوا (به تهیه کنندگی روح اله برادری و سمیرا برادری)

● بهترین کارگردانی:

سیمرغ بلورین: مهدی جعفری (بدو)
 جایزه ویژه هیات داوران: محسن قرایی (بی همه چیز)
 دیگر نامزدها:
 - نرگس آبیاری (ابلق)
 - ارسلان امیری (زالاوا)
 - محسن قرایی (بی همه چیز)

● بهترین کارگردان اول:

سیمرغ بلورین: ارسلان امیری (زالاوا)
 دیپلم افتخار: حسین دارابی (مصلحت)

● دیگر نامزدها:

- حمیدرضا آذرنگ (روزی روزگاری آبادان)
 - آرش انیسی (مامان)
 - عادل تبریزی (گیج گاه)

● بهترین فیلمنامه ازینال:

سیمرغ بلورین: ارسلان امیری، آیدا پناهنده، تهمینه بهرام (زالاوا)
 دیگر نامزدها:

- آرش انیسی (مامان)

- آیدا پناهنده، ارسلان امیری (تی تی)

● بهترین فیلمنامه اقتباسی:

سیمرغ بلورین: محسن قرایی، محمد داودی (بی همه چیز)
 دیگر نامزدها:

- حمیدرضا آذرنگ (روزی روزگاری آبادان)
 - مهدی جعفری، مهین عباس زاده (بدو)

● بهترین نقش اصلی مرد:

سیمرغ بلورین: رضا عطاران (روشن)
 دیگر نامزدها:

- پرویز پرستویی (بی همه چیز)
 - نوید پورفرج (زالاوا)

- محسن تنابنده (روزی روزگاری آبادان)

- میلاد صوبلوی (بدو)

- امیر نوروزی (مامان)

● بهترین نقش اصلی زن:

سیمرغ بلورین: رویا افشار (مامان)
 دیپلم افتخار: ستاره پسبانی (بدو)
 دیگر نامزدها:

- الناز حبیبی (رمانتیسیم عماد و طوبا)

- ملیسا ذاکری (ستاره بازی)

- الناز شاکردوست (ابلق)

- نازنین فراهانی (مصلحت)

● بهترین نقش مکمل مرد:

سیمرغ بلورین: پوریا رحیمی سام (زالاوا)
 دیگر نامزدها:

- عرفان ابراهیمی (مامان)

- پژمان جمشیدی (شیشلیک)

- وحید رهبانی (مصلحت)

- پدرام شریفی (بی همه چیز)

● بهترین نقش مکمل زن:

سیمرغ بلورین: گلاره عباسی (ابلق)
 دیگر نامزدها:

- آرزیتا حاجیان (خط فرضی)

- الهام شفیعی (روزی روزگاری آبادان)

- گیتی معینی (ابلق)

● بهترین فیلمبرداری:

سیمرغ بلورین: مرتضی نجفی (بدو - روشن)
 دیپلم افتخار: محمد رسولی (زالاوا)



محسن قرایی برنده بهترین فیلمنامه و جایزه ویژه کارگردانی



گلاره عباسی برنده سیمرغ بلورین بازیگر نقش مکمل



پوریا رحیمی سام برنده سیمرغ بلورین بازیگر نقش مکمل



ستاره پسیانی برنده دیپلم افتخار بازیگر نقش اول زن

دیگر نامزدها:

- مسعود سلامی (روزی روزگاری آبادان)
- فرشاد محمدی (تی تی)
- مرتضی هدایی (بی همه چیز)

● بهترین موسیقی متن:

سیمرغ بلورین: حامد ثابت (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:

- پیام آزادی (رمانتیسیم عماد و طوبیا)
- بامداد افشار (یدو)
- علیرضا افکاری (تی تی)
- فردین خلعتبری (مصلحت)

● بهترین تدوین:

سیمرغ بلورین: عماد خدابخش (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:

- عماد خدابخش (گیج گاه)
- سیاوش کردجان (مصلحت)
- میثم مولایی (یدو)

● بهترین چهرپردازی:

سیمرغ بلورین: ایمان امیدواری (ابلق)
دیگر نامزدها:

- شهرام خلج (شیشلیک)
- رکسانا صفوی (ستاره بازی)
- عباس عباسی (یدو)

● بهترین طراحی لباس:

سیمرغ بلورین: مارال جیرانی (بی همه چیز)
دیگر نامزدها:

- بهزاد جعفری طادی و محمدحسین کرمی (شیشلیک)
- بهزاد جعفری طادی (مصلحت)
- محمدحسین کرمی (زالاوا)

● بهترین طراحی صحنه:

سیمرغ بلورین: سهیل دانش اشراقی (روزی روزگاری)

آبادان

دیگر نامزدها:

- بهزاد جعفری طادی (مصلحت)
- سهیل دانش اشراقی (روشن)
- محمدرضا شجاعی (ابلق)
- آیدین ظریف (یدو)
- امیرحسین قدسی (بی همه چیز)

● بهترین صداگذاری:

سیمرغ بلورین: امیرحسین قاسمی (یدو)
دیگر نامزدها:

- حسین ابوالصدق (تک تیرانداز)
- بهمن بنی اردلان (روزی روزگاری آبادان)
- علیرضا علویان (بی همه چیز)
- امیرحسین قاسمی (زالاوا - خط فرضی)

● بهترین صدابرداری:

سیمرغ بلورین: رشید دانشمند (یدو)
دیگر نامزدها:

- طاهر پیشوایی (ابلق)
- رشید دانشمند (زالاوا)
- هادی ساعد محکم (شیشلیک)
- شهرام متولی باشی (تک تیرانداز)
- امین میرشکاری (بی همه چیز)

● بهترین جلوه های ویژه بصری (CGI):

سیمرغ بلورین: فرید ناظر فصیحی (ابلق)
دیگر نامزدها:

- محمد برادران (منصور)
- جواد مطوری (بی همه چیز)

● بهترین جلوه های ویژه میدانی:

سیمرغ بلورین: ایمان کریمان (یدو)
دیگر نامزدها:

- آرش آقابلیگ (روشن)
- ایمان کریمان (تک تیرانداز)

● بهترین فیلم مستند:

سیمرغ بلورین: کودتای ۵۳ (تقی امیرانی)
دیگر نامزدها:

- ایسانتیس (علیرضا دهقان)
- خانه (افسانه سالاری)
- رویاهای خالکوبی شده (مهدی گنجی)
- هجده هزار پا (مهدی شامحمدی)

● بهترین فیلم کوتاه:

سیمرغ بلورین: وضعیت اورژانسی (مریم اسمی خانی)
دیگر نامزدها:

- جلد (احسان معجونی)
- ناهید (صمد علیزاده)
- ماسک (نوا رضوانی)
- گوشت تلخ (فرید حاجی)
- شاهد، علی عسگری

● بهترین تیزر و آئونس:

سیمرغ بلورین: شنای پروانه (حمید نجفی راد)
دیگر نامزدها:

- آبی به رنگ آسمان (مسعود رفیع زاده)
- بی حسی موضعی (حامد بتولی)
- خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری (مسعود رفیع زاده)
- طلا (مسعود رفیع زاده)

● بهترین پوستری:

سیمرغ بلورین: هفت و نیم (وحید عبدالحسینی)
دیگر نامزدها:

- آبادان یازده ۶۰ (محمد تقی پور)
- خروج (محمد شکیبا)
- هفت و نیم (محمد موحدنیا)

● بهترین عکس:

سیمرغ بلورین: خورشید (سحاب زری باف)
دیگر نامزدها:

- گیلدا (جلال حمیدی) / ناگهان درخت (علی نیک رفتار)



برای مهرداد میناوند...

به یک هفته نکشید... اوایل بهمن با اینکه هشتاد درصد ریه اش درگیر شده بود در بیمارستان بستری شد و شب نهم بهمن برای همیشه ترک مان کرد.

مهرداد میناوند متولد ۹ آذر ۱۳۵۴ تهران، بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران بود. او برای باشگاه‌های مختلفی از جمله پرسپولیس، اشتورم گراتس، النسیاب و سپاهان بازی کرد و با پرسپولیس در سال ۱۳۷۶ قهرمان لیگ ایران شد و با اشتورم گراتس یک قهرمانی در لیگ اتریش، یک قهرمانی در جام حذفی اتریش، دو قهرمانی در سوپر جام اتریش و دو سال حضور پیاپی در لیگ قهرمانان اروپا را تجربه کرد. او در لیگ قهرمانان اروپا ۱۰ بازی انجام داد. مهرداد میناوند در طول بیش از ۷ سال حضور در تیم ملی، در ۶۷ مسابقه برای تیم ملی فوتبال ایران به میدان رفت و ۴ گل نیز زد.

هم تیمی‌های سابق میناوند در تیم اشتورم گراتس اتریش



مقابل گالاتا در استانبول در یک گروه بودیم. همیشه نام تو در باشگاه مان اشتورم هست. همه ما مهرداد را برای همیشه در قلب خود نگه داشته ایم و تو نام ات همیشه پیش ماست.

خداحافظ مهرداد عزیز

ایویکا اوسیم و بازیکنان این دوران طلایی اشتورم گراتس از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱

کاسیمیر سیدور کزوک، پپی شیکلگرابر، فرانکو فودا، گانتز نویرچنر، رانکو پوپوویچ، مار کوس شاپ، رومن مالیچ، گیلبرت پریلاسنینگ، مار کوس شاپ، یان پیتر مارتنز، هانس راینمایر، ایویکا واستیچ، ماریو هاس، تامی کوچیان، دیدیه آنژیباود، میثائیل باچتر، جورج باردل، آبیودون بارووا، گری اشترافرنر، گیورگی کورسوس، سرگئی یوران، ایمره سابیکس، آندرس فلرکین، فردل فلدهورف، روبرت ایبرتسگر، چارلز آموا، پتر هلینکا. / ترجمه: رضا مصطفایی - وین، اتریش

حمید استیلی



چند سالی بود که در تمامی بازی‌های پرسپولیس وقتی به دقیقه ۲۴ می‌رسیدیم، با یاد خاطره هادی نوروزی غم و حسرت‌مان در فراق هادی فقید زنده می‌شد و هرگز فکر نمی‌کردم که روزی در کنار دقیقه ۲۴ این بار یاد و خاطره تو، مهرداد عزیزم، ۲۵ ابدی هم دل‌مان را به آتش بکشد.

مهرداد جانم! فکر می‌کنم که در سفر ابدیت هم دعاگوی تیم محبوبت هستی، دعایی که دقیقه ۲۵ مستجاب می‌شود، ۲۵ همان عددی که سال‌ها با همین شماره برای پرسپولیس جنگیدی و برای سربلندی اتریش سرخ از جان مایه گذاشتی. پسر خوش قلب فوتبال ایران! فرزند با تعصب پرسپولیس! چند روزی است که به شدت دلتنگم. دلتنگ خاطرات گذشته، دلتنگ مهر بونی‌ها، دلتنگ تو و خاطرات جام جهانی ۹۸ و صدها دلتنگی دیگر و اشک‌های فراوان که با خداحافظی ناگهانی ات غم دنیا بر سر ما آوار کرده است. فرزند پرسپولیس یادت را تا ابد در قلب‌ها زنده نگه خواهیم داشت.

پژمان جمشیدی



برات تنگ می‌شه که دل من چیه، دل همه مردم برات تنگ می‌شه. دل همه هوادارات، باشو بین استقلالیا دارن برات چیکار می‌کنن پسر. مگه میشه این همه کری بخونی و باز محبوب همه باشی. تو راست می‌گفتی فوتبال بدون کری خونیاش که فوتبال نیست. باورم نمی‌شد وقتی بیمارستان بودی استقلالیا هم دلشون خون بود.

مهرداد کمرم شکست با رفتنت عزیزم دلم آتیش گرفته عزیز دلم، خدا پشت و پناحت.

مهرداد قول میدم هیچوقت و هیچ لحظه‌ای فراموشت نمیکم. قول مردونه. سفرت به خیر

ناراحت می‌شم. منم اوایل روم نمی‌شد ولی به مرور پررو شده بودم و برمی‌داشتم و تو هیچوقت حتی نگاه نمی‌کردی چی برداشتم و چندتا برداشتم. مهرداد یادته ماه رمضان دم سحر دوتایی می‌رفتم و لیعصر، آش می‌خوردیم، حلیم می‌خوردیم... مهرداد سالگرد ازدواج یادته کی بود. بازی آخر اولین دوره لیگ برتر؛ اومدی استادپوم و روسکوهانشستی و بعد از قهرمانی اومدی بغلم کردی و گفتی شب دیرنیا. هومن و مامک و مامان بابا رو هم بیار. آخی مامانم بود. چقدر خوش گذشت. بعد از قهرمانی و کنار تو.

آخرین شیم که با هم بودیم و حتما یادته چیزی نگذشته از ش که‌اچه پسر تو چرا تلفنو برداشته بودی به همه زنگ میدزدی و حال همه رو می‌رسیدی اون شب چیزی میدونستی مهرداد؟ جون پژمان می‌دونستی می‌خوای تنهامون بزازی؟ نگو نه که باورم نمی‌شه. آچه چطوری می‌شه اونجوری با هیجان به همه زنگ بزنی و هی به من بگی بیا فلائی رو هم بگیریم. به سهراب زنگ زدیم، به کورش بختیاری زاده، به حسام به امیر به علی کریمی به...

رفیق، داداش بزرگه، این رسمش بود؟

من که هیچکدوم از محبتاتو جبران نکردم. آچه با معرفت تو تازه شروع کرده بودی دوباره، دوماه شده بودی... آچه دلم

مهرداد جانم سلام
مهرداد بهت گفته بودم اولین باری که دیدمت کی و کجا بود؟ میدونم تو یاد نیست. نباید یاد باشه. تو ستاره تازه پر نور شده فوتبالمون بودی و بعد از جام ملت های آسیا ۹۶ و اون درخششت تو اون جام، اومده بودی زمین شماره دو امجدیه که احتمالا کسی رو ملاقات کنی. یادمه نفسمون بند اومده بود دیدمت. شک ندارم همه بچه هایی که اونجا بودن و اتفاقا همه هم تقریبا هم سن و سالت بودیم. آرزو داشتیم روزی کمی شبیه تو بشیم. به جایگاه تو برسیم. سال‌ها گذشت و هم بازی شدیم تو تیم ملی. هیچوقت نشد این خاطره رو بهت بگم. نشد بگم تو کجا و من کجا. هر چند چیزی که عیان بود چه حاجت به بیان بود. چقدر به هم نزدیک شدیم. هر وقت ایران بودی خراب می‌شدم سرت. یادته خونمون تقریبا تو به کوچه بود. شده بودم داداش کوچیکه.

می‌اومدم و کلی راجب فوتبال حرف می‌زدیم و کلی با آریا تو حال اون خوتون که لعنتی به پله بی خود هم وسطش داشت فوتبال بازی می‌کردیم و تازه بعدش به شبایی می‌رسیدیم به مراسم بدل و بخشش. آخر شب که می‌خواستیم برم در کمدتو باز می‌کردی و می‌گفتی اینارو از اتریش آوردم هنوز نپوشیدم، هر کدومو دوست داشته باشی و برنداری ازت



برای علی انصاریان ...

تاب دوری مهرداد میناوند را نداشت و در کمتر از یک هفته از درگذشت میناوند، روز ۱۵ بهمن ما را تنها گذاشت. علی انصاریان ۱۴ تیر ۱۳۵۶ به دنیا آمد او فوتبال را سال ۱۳۷۵ و با بازی در باشگاه فوتبال فجر شهید سیاسی شیراز آغاز کرد سپس در پرسپولیس به اوج رسید. انصاریان در سال ۱۳۹۰ از فوتبال خداحافظی کرد ولی برای دور نشدن از این ورزش مدرسه فوتبالی برای بچه‌ها تأسیس کرد. علی انصاریان پس از فوتبال، به بازیگری رو آورد و در بیش از ده فیلم و مجموعه تلویزیونی بازی و چند برنامه تلویزیونی اینترنتی را اجرا کرد. علی انصاریان همچنین در خرداد ۱۳۹۰ ترانه‌ای به نام «شدید» را به بازار موسیقی عرضه کرد. اما پس از آن خوانندگی را ادامه نداد. او ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ دو هفته پس از بستری شدن در بیمارستان فریختگان تهران و بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت.

جیانی اینفانتیو، رئیس فیفا



می خواهم تسلیت صمیمانه و قلبی خود را از درگذشت ملی پوش پیشین فوتبال ایران، علی انصاریان ابراز کنم. کلمات برای توصیف این ضایعه ناکافی به نظر می رسند. میراث و دستاورد انصاریان به ویژه شخصیت، محبوبیت و خصوصیات انسانی او هرگز از یادها نخواهد رفت. به نمایندگی از جامعه فوتبال بین الملل، عمیقاً با فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، خانواده، دوستان و عزیزان علی ابراز همدردی می کنم.

علی مغانی

خود خود «جنوب شهر» بود. بی پروا، بچه‌های جنوب شهر، باکی ندارند که بگویند فقر، صمیمی ترین همبازی کودکی شان بوده. زندگی در خانه‌های قوطی کبریتی و بزرگ شدن در کوچه پس کوچه‌های میدان خراسان، پوست آدم را کلفت می کند. جنگجو بار می آیی... در همان کوچه‌ها، به حق و ناحق آنقدر کتک می خوری که وقتی وارد زمین چمن می شوی، دیگر درد لگدها را احساس نمی کنی. «سلطان بخیه»، اولین بخیه‌های عمرش را خیلی زودتر از اینکه مشهور شود، خورده بود. تک تک بچه‌های جنوب شهر، قبل از اینکه پشت لبشان سبز شود، لاقال یکبار تا نزدیکی عزرائیل رفته‌اند. گاهی هوس می کنند با مرگ شوخی کنند. همین هاست که نترس شان می کند. نفس کشیدن در جنوب شهر، خوب یادت می دهد که اگر پله بالاتری می خواهی، باید رنج بکشی. رنج کشیدن، نه انتخاب که اجبار است. علی انصاریان سر نترس داشت که جلوی صدهزار چشم رفت پشت ضربه پنالتی، رفت به تیم رقیب و بعدها رفت دنبال سینما. او همه ارزوهای دور و دراز کودکی اش را با نترسیدن «زندگی» کرد. وقتی به مادرش می گفت «نه»، وقتی آنطور از تهدل می خندید، شبیه «علی» فیلم «کوچه مردها» می شد. قصه کوچه مردها در همان جایی می گذشت که علی انصاریان از آن جا برخاسته بود؛ جنوب شهر. وقتی علی رفت، «نه علی» مادر همه ما بود...

جواد کاظمیان



تاریک ترین جمعه زندگیام امروز بود با مادرم رفتیم خونه علی پیش ننه علی مهریون زیر بارون حجله های جلوی خونه علی دسته گل های توی لابی برای عرض تسلیت این اون خونه ای نبود که من میرفتم دنبال علی چه خاطراتی داشتیم با علی تواین خونه چه طرف هایی که به زور علی باید میشستم این خونه با اون حجم غمناک و مادری که مات و میبهوت و دلی خون و کمر شکسته دنبال علی می گرده نه این خونه ای که من می شناختم نبود

حمیدرضا صدر



تبسم، تذهیب زندگی است. خدا رو شکر لجاجت، نومیدی و پوچگرایی را نمی فهمد. برخلاف مردمان ناشکیبا این دوران. می گفتیم بخند. ما که کاری نکرده ایم. تو با همین عکس هزارسال زندگی خواهی کرد علی. بله هزار سال. تو تا توانستی تاریخخانه ها را بستی و رفتی. ما به آن جاسرک نخواهیم کشید. تو بازخواهی گشت. با باران. با باد

نه این خداحافظی از من ساخته نیست. چند روزی از رفتن علی انصاریان سپری شده و هنوز نمی توانم درباره اش بنویسم. قلم به خدمت مرثیه ای برای او در نمی آید. قرار نبوده چنین شود. تقلا می کنم. بی ثمر است. از درگذشت دوست نازنینم صادق تیرافکن عکاس خوش قریحه سال ها سپری شده و هنوز نتوانسته ام خطی در ستایش او بنویسم. حالا دست و پا می زنم و جان می کنم یادی از علی در این سطور حقیر برجای بگذارم، تابی ندارم. آن هم زمانی که سال جاری سیاه تر از سال سپری شده و تصور می کنم همه در چ شم بهم زنی خواهیم رفت. در جایی دور از خانه. با خبری که نیمه شب ناگهان همه را از خانه شان دور کرد. ولی نویی می آید. علیرضارفتنی نیست. همیشه تصور می کردم به راز پیروزی بر افسردگی دست یافته. ما با اضطراب و انتظار و او با نرمش چهره اش و خونسردی تکیه داده بود. نقش خود را بر پیشانی خویش نوشته بود. با همان «آن» جادویی اش. دلپاخته ها، خنده هایش را از یاد نخواهند برد و مشتاقانش او را با تبسم هایش به یاد خواهند آورد.

علی پروین



جوان خوش قلب و دوست داشتنی بود که همه به او علاقه زیادی داشتند و من هنوز فوت او را باور نکرده‌ام. من مرگ علی انصاریان را باور نمی کنم، مگر می شود باور کنیم این جوان دیگر در بین ما نیست و زیر خروارها خاک خوابیده است. علی انصاریان بسیار به مادرش علاقه داشت. خود من هر وقت یاد مادرم می افتم، بی اختیار اشک می ریزم. او به همه یاد داد تحت هر شرایطی باید به مار خود احترام گذاشت و او را به همه دنیا ترجیح داد. مرگ علی اتفاقی تلخ برای ورزش ایران بود، او جوان خوش قلب و دوست داشتنی بود که همه به وی علاقه زیادی داشتند. فقط از خدا می خواهم که به مادر علی صبر بدهد چرا که او غم برگی روی شانه هایش سنگینی می کند. تا زمانی که انسان ها زنده هستند باید قدرشان را دانست و آنها را مورد محبت قرار داد.

واکنش فدراسیون فوتبال به احتمال برگزاری متمرکز انتخاباتی جام جهانی



سخنگوی فدراسیون فوتبال ایران گفت: نامه نگاری های زیادی از سوی فدراسیون برای میزبانی تیم ملی در مرحله انتخابی جام جهانی صورت گرفته است.

به گزارش «گوهردشت» به نقل از مهر، با نزدیک شدن به زمان تعیین شده برای برگزاری مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر و انتخاباتی جام ملت های ۲۰۲۳ آسیا، خبرهای زیادی درباره تعویق دوباره این مسابقات و برگزاری آن به صورت متمرکز منتشر شده است. در تازه ترین خبر، «علی نوری» خبرنگار عراقی مدعی شد بازی های انتخابی جام جهانی به ماه ژوئن موکول می شود و امارات و قطر گزینه های میزبانی متمرکز این بازی ها هستند.

امیرمهدی علوی سخنگوی فدراسیون فوتبال در واکنش به این خبرها، گفت: فدراسیون تمام ظرفیت های موجود را برای میزبانی در سه مسابقه سرنوشت ساز که دو تای آن خیلی مهم است را مورد توجه قرار داده است. وی افزود: نامه نگاری زیادی از سوی دبیر کل و روابط بین

ولی چیزی به صورت رسمی هنوز به اطلاع فدراسیون فوتبال نرسیده است.

الملل فدراسیون فوتبال صورت گرفته است. تا این لحظه هر چه شما می شنوید ما هم در رسانه های عربی می خوانیم.

طارمی طلسم ۵۹ ساله باشگاه پورتو را شکست!

برزیلی که در سال ۲۰۱۲ در گذشت چشمگیرتر است و وی در پنج بازی نخست خود در جام حذفی با لباس پورتو، هشت گل به ثمر رساند. در دوره فعلی جام حذفی پرتغال «رودریگو پینتو» از ماریتیمو ۶ گل به ثمر رسانده است و طارمی در کنار «رویز» و «برایان» پنج گله هستند. بنا به این گزارش، بازی برگشت پورتو مقابل براگا هم فرصت خوبی برای طارمی خواهد بود تا تعداد گل های خود را افزایش بدهد. این شانس در صورت صعود پورتو به فیнал، بیشتر هم می شود.

به گزارش «گوهردشت» به نقل از سایت «zerozero» پرتغال، مهدی طارمی با گلزنی در دیدار با براگا در جام حذفی پرتغال، شمار گل های خود را در این رقابت ها به عدد پنج افزایش داد و به یک رکورد قابل توجه در پورتو دست یافت. این مهاجم ایرانی در پنج بازی در جام حذفی پنج گل به ثمر رسانده و در تمام مسابقات گلزنی کرده است. این یک رکورد بعد از ۵۹ سال است! آخرین نفری که به این موفقیت دست یافته بود، «آزومیر» برزیلی بود که در اوایل دهه ۱۹۶۰ در تیم پورتو بازی می کرد. البته هنوز هم پرونده این بازیکن



مهدی طارمی مهاجم تیم پورتو با به ثمر رساندن پنجمین گل خود در جام حذفی پرتغال، طلسم ۵۹ ساله این باشگاه را شکست.



سرمربی تراپوزان: من این مدافع ایرانی را می خواهم

خود از جمله سیدمجید حسینی مدافع ایرانی را تمدید کنند. این سایت درباره حسینی نوشت: «پیشرفت مجید حسینی توجه عبدالله اوچی (سرمربی تراپوزان) را به خود جلب کرد. این مربی باتجربه به مدیریت باشگاه گفت که حسینی را باید در تیم حفظ کنند. به این بازیکن که قرارداد در پایان این فصل به پایان می رسد، قرارداد دو ساله پیشنهاد می شود.»

سرمربی تیم فوتبال تراپوزان اسپور ترکیه به مسئولان این باشگاه اعلام کرده است قرارداد مجید حسینی مدافع ایرانی باید تمدید شود.

به گزارش «گوهردشت» با اعلام سایت «فوتومج» ترکیه، مسئولان باشگاه تراپوزان اسپور قصد دارند قرارداد پنج بازیکن

عنوان بهترین «سیو» هفته در لیگ بلژیک به بیرانوند رسید

تمام شد. علیرضا بیرانوند دروازه بان ایرانی در آن مسابقه در ترکیب آنتورپ قرار داشت. با گذشت ۶ روز از آن مسابقه، سازمان فوتبال حرفه ای بلژیک عنوان بهترین مهار توپ هفته بیست و ششم را به بیرانوند داد. دروازه بان ایرانی در دقیقه ۵۵ آن مسابقه با یک شیرجه موفق شد ضربه سر بازیکن حریف را دفع کند و دروازه خود را بسته نگه دارد.

با اعلام سازمان فوتبال حرفه ای بلژیک، علیرضا بیرانوند دروازه بان تیم فوتبال آنتورپ عنوان بهترین «سیو» هفته لیگ این کشور را از آن خود کرد.

به گزارش «گوهردشت»، تیم فوتبال آنتورپ در هفته بیست و ششم ژوبیر لیگ بلژیک، روز یکشنبه گذشته به مصاف تیم بیرتسوت رفت که این بازی با نتیجه ۲ بر یک به سود آنتورپ

